



اخلاق شفایابی

(معروف به اخلاق شاهی)

مظفر بن محمد حسینی (حسینی) طبیب کاشانی

متخلص به سبائی (ف ۹۶۳ ه.ق)

تصحیح انتقادی:

حمید رضا نان آور

علی محمد پشت دار

انتشارات همای دانش

کاشانی، مظفرین محمد، -۹۶۳ق.

اخلاق شفایی (معروف به اخلاق شاهی) / مظفرین محمد حسنی (حسینی) طبیب
کاشانی متخلص به شفایی (ف ۹۶۳ هـ.ق.)؛ تصحیح انتقادی حمید رضا نان آور،
علی محمد پشت دار؛ ویراستار بی بی آمنه گوهری موسی آباد، محمد دانشور.-
تهران: همای دانش، ۱۳۹۳.

۳۴۰ ص. : جدول، کتابنامه: ص ۳۳۲.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۳۵-۹۳-۳ فهرست و اسامی اطلاعات فیبا.

۱. اخلاق اسلام - - متون قدیمی تا قرن ۱۴ الف. نان آور، حمیدرضا، ۱۳۵۹-
مصحح. پشت دار، علی محمد، ۱۳۳۹- مصحح. ج. گوهری، بی بی آمنه،
۱۳۴۹- ویراستار. دانشور، محمد، ۱۳۴۵-، ویراستار. ذ. عنوان.

۱۳۹۳ الف ۳ / ۲۴ B ۲۹۷/۶۱ ۳۵۹۸۸۳۹-۹۳ م

اخلاق شفایی

(معروف به اخلاق شاهی)

مظفرین محمد حسنی (حسینی) طبیب کاشانی متخلص به شفایی

مصححان: حمیدرضا نان آور، علی محمد پشت دار

ناشر: انتشارات همای دانش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۳۵-۹۳-۳

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه برای مصححان محفوظ است.

نقل مطالب با ذکر مأخذ پلامانع است.

فهرست عناوین و مطالب

۷	پیش گفتار.....
۱۱	بخش اول: مقدمه.....
۱۳	۱- مقدمه.....
۱۳	پیشینه حکمت (اخلاق) در ایران.....
۱۴	خاندان شفايي.....
۱۶	معرفی نویسنده.....
۱۶	حکمت شفايي در تذکره ها و آثار متأخرين.....
۱۹	شفا.....
۲۰	احمد شاهي.....
۲۱	محتوای کتاب و یک.....
۲۱	ساختار اخلاق شاهي.....
۲۲	افکار و عقاید نویسنده.....
۲۲	۲- شیوه تحقیق و تصحیح.....
۲۲	نقد و نظر.....
۲۲	نثر کتاب.....
۲۳	شیوه تصحیح.....
۲۵	شیوه نامه ویرایش متن.....
۲۵	نسخه های خطی اخلاق شاهي.....
۲۵	۳- معرفی نسخه ها و ویژگیهای نسخه شناسی آن.....
۲۵	نسخه ملک.....
۲۶	ویژگی های رسم الخطی نسخه اساس (ملک).....
۲۸	ویژگیهای دستوری نسخه اساس (نسخه ملک).....
۲۹	ویژگی های سبکی نسخه اساس (ملک).....
۳۰	نکات بلاغی نسخه اساس (ملک).....
۳۰	نسخه مجلس.....
۳۱	نسخه قم.....
۳۲	ویژگی های رسم الخطی (نسخ مجلس و قم).....
۳۴	ویژگی های دستوری نسخه مجلس و قم.....

۳۵	نکات بلاغی نسخه مجلس و قم
۳۶	نسخه ادبیات (تل)
۳۸	ویژگی های رسم الخطی نسخه ادبیات (تل)
۴۰	ویژگی های دستوری نسخه ادبیات
۴۱	نکات بلاغی نسخه ادبیات
۴۳	نسخه الهیات
۴۴	۴- سخن آخر
۴۴	معرفی نویسنده
۴۵	آزبایی کلی نسخه
۴۵	اشکال
۴۶	شکل محتوا
۴۸	ساختار فنی
۴۸	۵- علایم اختصار
۴۹	۶- عکس صفحات پشت و روایی نسخه ها به ترتیب تاریخ کتابت
۴۹	تصویر صفحه اول نسخه کتابت ملکی (اساس)
۵۰	تصویر صفحه آخر نسخه کتابخانه ملکی (اساس)
۵۱	تصویر صفحه اول نسخه مرعشی نجفی (قم)
۵۲	تصویر صفحه آخر نسخه مرعشی نجفی (قم)
۵۳	تصویر صفحه اول نسخه مجلس (مج)
۵۴	تصویر صفحه آخر نسخه مجلس (مج)
۵۵	تصویر صفحه اول نسخه الهیات
۵۶	تصویر صفحه آخر نسخه الهیات
۵۷	تصویر صفحه اول نسخه ادبیات (تل)
۵۸	تصویر صفحه آخر نسخه ادبیات (تل)
۵۹	بخش دوم: متن نسخه اخلاق شاهی
۶۱	دباجه اخلاق شاهی
۷۱	مقاله اول: (در اخلاق حسنه)
۷۲	باب اول (در عقّت)
۸۲	باب دوم (در شجاعت)
۸۷	باب سوم (در عدالت)

۸۸		خصلت اول (در انجاء حاجات)
۹۱		خصلت دوم (در احسان)
۹۵		خصلت سوم (در اجتناب از بدی با نیکان)
۹۸		خصلت چهارم (در رفع بدی دیگران از رعایا)
۱۰۰		خصلت پنجم (در فرمانروایی)
۱۰۲		خصلت ششم (در تیقظ و بیداری)
۱۰۷		خصلت هفتم (در حلم و وقار)
۱۱۲		خصلت هشتم (در عفو)
۱۱۷		خصلت نهم (در تدبیر و مشاورت)
۱۲۴		خصلت دهم (در اختیار مؤانست اختیار و اجتناب از مصاحبت اشرار)
۱۳۴		باب اول (در ولایت)
۱۴۰		باب پنجم (در تولد)
۱۴۷		باب ششم (در تصرف)
۱۵۰		باب هفتم (در رضا)
۱۵۳		باب هشتم (در صبر)
۱۵۷		باب نهم (در شکر)
۱۶۱		باب دهم (در قناعت)
۱۶۳		باب یازدهم (در صدق)
۱۶۵		باب دوازدهم (در تواضع)
۱۶۸		باب سیزدهم (در حیا)
۱۷۱		باب چهاردهم (در وفا و حسن عهد)
۱۷۴		باب پانزدهم (در حسن خلق)
۱۷۸		باب شانزدهم (در رفق و مدارا)
۱۷۹		باب هفدهم (در علو همت)
۱۸۱		باب هجدهم (در ادب)
۱۸۳		باب نوزدهم (در امانت و دیانت)
۱۸۴		باب بیستم (در کتمان اسرار)
۱۹۱		باب بیست و یکم (در نطق و سکوت)
۱۹۹		مقاله دوم: (در اخلاق ذمیمه)
۲۰۰		باب اول (در جهل)

۲۰۵	باب دوم (در شهوت)
۲۱۱	باب سوم (در غضب)
۲۱۴	باب چهارم (در حقد و حسد)
۲۲۲	باب پنجم (در بخل)
۲۲۸	باب ششم (در عجب و تکبر)
۲۳۱	باب هفتم (در کذب و نفاق)
۲۳۵	باب هشتم (در غیبت و نمیمه)
۲۴۱	باب نهم (در ریا)
۲۴۴	باب دهم (در مکر و حيله)
۲۴۸	باب یازدهم (در حب دنیا)
۲۵۵	باب شانزدهم (در طمع)
۲۵۷	باب هجدهم (در میل و آز)
۲۶۱	باب چهاردهم (در غم)
۲۶۴	باب پانزدهم (در تعجیل)
۲۷۰	باب شانزدهم (در کمال استقامت)
۲۷۲	باب هفدهم (در کاهلی)
۲۷۷	خاتمه (در سخنان حکمای قدامت)
۲۸۳	بخش سوم: تعلیقات
۲۸۵	فهرست آیات قرآن
۲۸۷	فهرست احادیث عربی
۲۹۲	فهرست احادیث فارسی
۲۹۴	فهرست سخنان بزرگان و حکما
۳۰۱	فهرست اشعار فارسی
۳۱۱	فهرست اشعار عربی
۳۱۲	فهرست اعلام
۳۱۷	فهرست نام شهرها
۳۱۸	فهرست نام کتب
۳۱۹	واژه نامه
۳۲۲	فهرست منابع و مآخذ

پیش-گفتار

انسان موجودی است دو بُعدی، روان و تن. این دو بُعد ضمن تعامل با یکدیگر مقدمات سعادت و کمال وی را فراهم می کنند. روان آدمی به اقتضای وجود خود در حقایق کلیات هستی و امور معنوی سیر می کند و در این وادی به دنبال سیراب کردن خویش است، و تن به اقتضای ذات خود که برآمده از جهان خاکی است، سعادت خود را در برخورداری از محصولات همین جهان مادی می داند. همه ی مکاتب دینی غیر دینی بر اساس دو بُعد روان و تن در انسان برای او وظایفی ترسیم کرده اند و در این مسیر راه سعادت و خوشبختی را به او نشان داده اند تا خود به انتخاب آحسن اهتمام بورزد.

همه ادیان و مکاتب بشری مجموعه ای از نگرشهای هستی شناسانه و نگاه علمی به خویشتن و هستی است که این مجموعه نگرش اصطلاحاً آموزه یا تئوری می گویند. (حکمت نظری)

بعد دیگر که مرتبط با عمل است، روش نام دارد. بر همین اساس حکمت عملی یا راه عملی برای رسیدن به سعادت و طبعاً آموزه ی فکری شکل می گیرد.

دین، مجموعه ای از عقاید، آموزه ها و دستورهای عملی و اخلاقی (= روش) است که پیامبران (ص) از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند. اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در هر دین است. انسان به اقتضای آن که زنده است هیچ گاه از پائنتشسته است و همواره برای بهتر زیستن، با کثرت دادادی خود تلاش و کوشش مبذول داشته است.

بنابراین انسان نه تنها از راه ناچاری کار می کند، بلکه از این جهت که انسان است، فعالیت های گوناگون از خود نشان می دهد و برای این که با شعور و آگاهی خود دریافته است که از هر راه که هست باید سعادت و خوشبختی زندگی خود را تأمین کند، دستورات و کوشش بر نمی دارد و در راه رسیدن به خواسته های خود گام بر می دارد، از این جاست که انسان در هر محیطی و با هر روشی زندگی نماید، دینی یا غیر دینی، قانونی یا استبدادی، شهری یا روستایی، بر او دستورات رسته تکالیف و وظایفی حس می کند که به جا آوردن آن آرزوهای واقعی او را برآورده می کند و به این ترتیب خود زندگی خوش و سعادت‌مندانه ای فراهم می سازد.

پس در وظیفه شناسی و انجام عملی آن وظایف، مهمترین مسأله نظری و عملی است که انسان در زندگی خود با آن روبروست، چه اهمیت این مسأله همان اهمیت انسان است و کسی که از انجام وظایف مسلم خود سرباز زند یا کوتاهی کند به همان میزان از مقام والای انسانیت سقوط می کند. آری چون وظایف انسانی ارتباط کامل با سعادت و زندگی انسان دارد و مکاتب و حیاتی و مکتب های غیر و حیاتی در تعریف حدود این وظایف اختلاف نظر دارند. دین معتقد است که زندگی انسان یک زندگی نامحدود و بی پایان است که با مرگ به پایان نمی رسد و سرمایه بخشی پس از انتقال از این جهان، همان

فرآورده‌ی عقاید پاک و صحیح و اخلاقی پسندیده و اعمال صالحه‌ای است که انسان در این دنیا برای خود کسب کرده است. دین مقررآت خود را در حوزه‌ی خداشناسی و بندگی خدا که اثر بارز آن پس از مرگ و روز رستاخیز جلوه می‌نماید، وضع کرده است. روش‌های غیر دینی، هر چه باشد، تنها سعادت زندگی چند روزه‌ی این جهان را در نظر دارد و برای انسان وظایفی تعریف می‌کند که در سایه‌ی آنها از زندگی مادی و منافع جسمانی که میان آدمی و سایر حیوانات مشترک است، بهتر بتواند برخوردار شود؛ یعنی یک زندگی حیوانی با منطقی که از احساسات و عواطف و وحوش سرچشمه می‌گیرد، برای انسان تنظیم می‌کند و دیگر توجهی به واقع بینی انسان و زندگی جاوید و مملو از معنویات او ندارد.

الف. بین اسلام و مبانی اخلاق

دین اسلام یکی بر مبانی عمومی و همیشگی است که از جانب خدای متعال برای زندگی انسان در هر دو جهان، بر پیام‌های حاتم (ص) نازل شده است تا در جامعه‌ی بشری به اجرا در آید و اساس هستی انسان را از گرداب‌های مادی و بدبختی بیرون آورده و به دنیای نجات و خوشبختی برساند. بنابراین دین برنامه‌ی زندگی است که انسان را نسبت به آنچه با زندگی ارتباط دارد، وظیفه‌ای برای انسان تشخیص داده و انجام آن را از او خواسته است. به طور کلی زندگی نوع انسان با مبانی ارتباط دارد:

۱. با خدای متعال (آفریدگار) که ما آفریدیم و تقسیم و ادای حق نعمت او از هر حقی بزرگتر و وظیفه شناسی نسبت به ساحت مقدس او از هر واجب واجب‌تر است. مبنای این وظیفه ایمان به مبدأ قدرت و منشأ هستی است که مبنای خود شناسی و تهذیب نفس و رانندگی نخست خداشناسی و به عکس است.
۲. وظیفه‌ی دوم انسان نسبت به خویش است؛ از حیث انسانیت و روحانی. به حکم عقل و فطرت الهی انسان باید برای دو بُعد روان و تن غذای لازم را فراهم کند.
۳. ادای وظیفه نسبت به هموعان که ناگزیریم با آنان زندگی کنیم و کار و کوشش خود را با همیاری و همکاری ایشان به نتیجه‌ی مطلوب برسانیم.

– وظیفه‌ی انسان در برابر خدا همان ایمان قلبی و قالبی نسبت به او است با شایسته‌ای که اووند در قرآن ترسیم فرموده است که شاید بهترین نمونه‌ی آن سوره‌ی حمد و آیات کریمه‌ی آن باشد.

فرد مسلمان با قرائت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» ناظر به ایمان فرد است نسبت به ظهور و حضور او در هستی و تا روز رستاخیز است.

– وظیفه‌ی انسان در برابر خود، یعنی این که انسان خوشبختی دنیا و آخرت خود را از کسی نخواهد که خود او، وی را آفریده و به تمام ابعاد وجودی او آگاهی کامل دارد؛ بنابراین می‌گوییم: «إِنَّاكَ تَعْبُدُ وَإِنَّاكَ تَسْتَعِينُ» (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)؛ (= تهذیب نفس و خود شناسی است).

- و اما وظیفه‌ی انسان در برابر دیگران که در اصطلاح حکمت عملی به تدبیر منزل و سیاست مُدُن اطلاق می‌شود و در زبان قرآن همان «صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» است، فرد از خداوند تقاضا می‌کند که او را به راه نیکان و سعادت‌مندان حقیقی هدایت کند و دیگران را نیز به آن راه فرا بخواند و در مقابل از افتادن به راه گمراهان و مغضوب‌شدگان در امان بماند و خود نیز از غضب‌شدگان و گمراهان نباشد.

ب. اخلاق، اخلاق فلسفی، اخلاق اسلامی

اخلاق یکی از خَلَق و خَلَق است و بیشتر به صورت جمع به کار می‌رود و در فارسی معادل آن خوی است. در اصطلاح حکیمان عبارت از ملکه‌ای است که به واسطه‌ی آن فعل از نفس به آسانی و بدون به کار بردن اندیشه‌ی صوری می‌شود؛ باید گفت که اخلاق بر همه افعالی که از نفس صادر می‌شود، خواه پسندیده، خواه ناپسنداطور می‌شود. لاً به مجموعه اخلاقی که به کار پسندیده ختم گردد «دب» می‌گویند. مقصود از علم اخلاق، علم فضایل و کسب آنهاست تا نفس بدانها آراسته شود و نیز شناخت «رذایل» تا نفس از آنها دوری جوید. یکی از بزرگان تاریخ علمی و عملی اخلاق در عهد اسلامی از همان قرون اولیه دو مکتب و دو مشرب برای رسیدن به این فضایل و دوری از رذایل پیش رو قرار گرفت: یکی مکتب مبنی بر فطرت و فکرت قرآنی و دیگری مکتب آموخته‌های خداوند و سیره‌ی نبوی (ص)؛ و دیگری مشرب فکری عقلانی بر اساس آثار فیلسوفان از متون یونانی از گفته‌های ارسطو و افلاطون. در جهان اسلام کتب و آثار بسیاری بر اساس دو مشرب فوق به رشته تحریر در آمد و آثاری هم با تلفیق هر دو مشرب تألیف شد.

ابوعلی مُسکویه رازی (۳۲۰-۴۲۱ ق) با تألیف اثر معروف خود تحت عنوان «تهذیب الاخلاق» نخستین فردی است که اخلاق ارسطویی را فقط در باب تهذیب نفس (اخلاق فردی) و نه شهرت داد. پس از او ابو الحسن عامری در کتاب رسائل و خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصری در این باب پیشنهاد کردند. در گروه تلفیق که اخلاق عملی ارسطویی را با آموزه‌های دینی و مذهبی در آمیختند می‌توان از علامه محمد غزالی، فیض کاشانی و ملا احمد نراقی نام برد.

۳- مبانی اخلاق دینی اسلامی

۱. قرآن و حدیث: نخستین پایه که در نوشتن اخلاق دینی اسلامی باید در نظر داشت، آیات

قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) و مُندرجات کُتب سیره و آثاری همانند اینهاست.

۲. کتب کلام و عقاید: یکی دیگر از مبانی اصلی شکل‌گیری اخلاق دینی و اسلامی است. کتب

کلام و عقاید مانند: مقالات الاسلامیین اشعری، المَعْنی قاضی عبدالجبار همدانی، کتب متعدد

۱. در بیان این پیش‌گفتار از منابع زیر با تصرف سود جسته‌ایم:

- تعالیم اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبائی، ص ۳۱-۱۹۳/۳۲-۲۱۵/۱۹۴، ج هشتم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱، قم، ایران.

امام الحرمین جوینی، امام محمد غزالی، فخر رازی و آثار شیخ طوسی، شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی و نیز تجرید الاعتقاد خواجه ی طوسی است.

۳. کتب عرفان و تصوف: سومین پایه ی اخلاق دینی اسلامی آثار عرفا و صوفیه است که از

سده ی دوم و سوم هجری این آثار با الهام از قرآن کریم و سنت نبوی (ص) و سیره ی علی (ع) در تربیت فردی و اجتماعی مسلمانان تأثیر شگرفی داشته است. ابوحامد محمد غزالی

میان اخلاق فلسفی یونانی و اخلاق دینی اسلامی ترکیبی اساسی و وسیع صورت داد. نظریات تربیتی و اخلاقی او در آثارش به ویژه احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت هنوز قابل نقد و

بررسی است.^۱ بعد از غزالی می توان گفت خواجه ی طوسی در میان گروه تلفیق تأثیرگذار بود. پس از انتقال مکتب فلسفی خراسان به شیراز در قرن هشتم و نهم اندیشمندان مکتب

شیراز در پی به ریزی اخلاق دینی با تلفیق دین و عقل و عرفان (= اشراق) بسیار موفق بودند. جلال الدین رومی و ابی در اخلاق جلالی و غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی در اخلاق

منصوری و کتب اخلاقی دیگری چون اخلاق محسنی، اخلاق حسنی، اخلاق شمسی و... تا عصر صفویه که در این آثار از این مجموعه از معارف اسلامی و شیعی است. در عصر

صفویه نویسندگان بزرگی به این مباحث پرداخته اند. صدرالدین شیرازی، ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی آثار قلمی بسیار عمیقی در این زمینه تألیف کردند که برخی از این آثار هنوز در شکل

نسخه ی خطی است و تصحیح انتهای نشده است. از این گروه شاید ملا محمد نراقی در جامع السعادات و پس از او معراج السعاده از آثار اخلاق نراقی است که در عصر قاجار به رشته

تحریر در آمده است. در عصر حاضر ضمن تصحیح و ترمیم آثار اخلاقی اسلامی و فلسفی که در طول هزار سال گذشته تحت لوای فرهنگ غرب اسلامی قرآن به رشته ی تحریر در آمده،

آثار اخلاقی - عرفانی جدیدی به فارسی و عربی ظهور کرده که در جای خود قابل تحقیق و بررسی است. آثاری از صاحب قلمانی چون آیت ... محمد علی شاه آبادی، آیت ... روح ...

خمینی، آیت ... حسن حسن زاده آملی، آیت ... جوادی آملی و... در این راستا نسخه اخلاق شفایی (شاهی) از جمله گنجینه هایی است که تاکنون ناشناخته مانده و

تصحیح یا چاپ نشده است. با احیای این اثر علاوه بر معرفی اثری ارزشمند می توان شناخت بیشتری از ویژگی های ادبی در قرن دهم یافت و تصحیح و تدوین آن جهت نشر افکار و آراء نویسنده و

معرفی اثری ارزشمند در زمینه اخلاق و ادب فارسی به جامعه علمی کشور ضروری به نظر می رسد. گریختن گفتیم اصلاحش تو کن.

حمید رضا نان آور^۲ - علی محمد پشت دار^۳

^۱ مقدمه تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه، علی اصغر حلبی. صفح ۳۱، ۲۹، ۳۴، ۲۱، ۱۱. با تصرف، چ اول ۱۳۸۱، اسطی، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی - ۰۹۱۲۵۹۳۶۲۵۳ - hamidnanavar1359@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور - am.poshtdar@gmail.com